

تحلیلی بر سبک بازگشت امام سجاد علیه السلام به مدینه با محوریت ماندگاری نهضت حسینی

محمدباقر پورامینی*

چکیده

امام زین‌العابدین علیه السلام پس از واقعه خونین کربلا و گذراندن یک دوره سخت اسارت، سرانجام راهی مدینه شدند. ورود امام با برنامه‌ای مشخص و دقیق انجام شد تا با شورآفرینی، سوگواری، گریه و عزاء، یاد امام حسین علیه السلام و حماسه خونین او زنده بماند. امام سجاد علیه السلام در آغاز ورود به مدینه استمرار صفتبندی حق و باطل پس از نهضت سالار شهیدان را نشان داد و نمایش اظهار پشیمانی یزید را نیز خنثی کرد. امام این نکته را با شورآفرینی عمومی و بیان مصیبت‌های جاری بر آل الله به انجام رساند و بر استمرار یاد امام حسین علیه السلام و عزاداری برای او تأکید فرمود. ایشان همواره اصرار داشت تا مردم به حماسه عاشورا آشکارا عشق بورزند و آن را در قالب ذکر مصیبت به صورت یک فرهنگ تثبیت شده و مستمر ادامه دهند. بدیهی است این سنت معصوم برای همگان حجت بود و سبب ماندگاری حماسه عاشورا شد.

واژگان کلیدی: حماسه عاشورا، امام سجاد علیه السلام، عزاداری، مدینه.

*. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

امام زین العابدین علیه السلام پس از واقعه خونین کربلا، با همراهی خاندان حسین بن علی علیه السلام و پس از دوره سخت اسارت و سفر به کوفه و شام و کربلا، سرانجام به دستور یزید راهی مدینه شدند. سبک ورود امام به مدینه‌النبی با برنامه‌ریزی مشخص و دقیق حضرت سبب شد تا یاد امام حسین علیه السلام و فروغ نهضت حسینی در سایه شورآفرینی، سوگواری، گریه و عزا، زنده بماند. حرکت امام سجاد علیه السلام نمایانگر صف‌بندی حق و باطل در نهضت سالار شهیدان بود و نمایش اظهار پشیمانی یزید را نیز خنثی کرد. امام این نکته را با آغاز ورود به مدینه و بیان مصیبت‌های جاری بر آل الله به انجام رساند و بر استمرار یاد امام حسین علیه السلام و عزاداری برای او تأکید کرد. امام سجاد علیه السلام همواره بر زنده نگاه داشتن حماسه عاشورا و گسترش آن در قالب ذکر مصیبت و گریه به صورت یک فرهنگ تثبیت شده و مستمر سفارش می‌کرد. بدیهی است این سنت معصوم برای همگان حجت و سبب ماندگاری قیام عاشورا شد.

این مقاله بر محور گزارش مندرج در کتاب *اللاهوف علی قتلی الطفوف* اثر سیدعلی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م. ۶۶۴ق.) تنظیم شده است. هرچند که عالم معاصر او جعفر بن محمد بن جعفر بن نماحلی (م. ۶۸۰ق.) نیز شبیه همین گزارش را در کتاب *مُنیرُ سُبُلِ الْأَحْزَانِ وَ مَنیرُ سُبُلِ الْأَشْجَانِ* نقل کرده است که درباره آن نیز سخن خواهیم گفت.

۱. وضعیت مدینه پس از واقعه کربلا

پس از هجرت امام حسین علیه السلام از مدینه منوره در روزهای پایانی ماه رجب سال ۶۰ و پرهیز از بیعت با یزید، در رمضان همان سال، عمرو بن سعید بن عاص اموی، معروف به اشدق که حاکم مکه بود، فرمانروایی مدینه را نیز عهده‌دار شد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۴۳)؛ آن‌سان که او را امیر حجاز می‌نامیدند (ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۴۹). اشدق در واکنش به حرکت امام حسین علیه السلام به سمت کوفه، دستور داد خانه‌های منسوبان امام و بنی‌هاشم را در شهر مدینه تخریب کنند و عمرو بن زبیر را مأمور انجام این کار کرد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق،

ج ۵، ص ۵۲؛ فاسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۸۱). قاضی نعمان مغربی تصریح می‌کند که والی مدینه خانه‌های علی بن ابی طالب علیه السلام، عقیل، رباب بنت امرء القیس، همسر امام حسین علیه السلام و مادر سکینه علیها السلام را ویران ساخت (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۶۹).

پیش از بازگشت اسرای اهل بیت از کربلا، مردم مدینه در چند مرحله از شهادت حسین بن علی علیه السلام خبردار شدند:

الف) عبیدالله بن زیاد نامه‌ای را به عمرو بن سعید اشدق ارسال و او را از شهادت امام حسین علیه السلام، خاندان و یاران وی آگاه کرد و اشدق نیز دستور داد مردم مدینه را نیز باخبر کنند (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۱۳). طبری و شیخ مفید، ضمن اشاره به این ماجرا، از تأثیر عمومی بنی‌هاشم و نوع واکنش اشدق چنین گزارش می‌دهند:

چون ابن زیاد سر مقدس حسین علیه السلام را برای یزید فرستاد، عبدالملک بن ابی‌الحریث سلمی را طلبید و به او گفت: به مدینه برو و بر عمرو بن سعید بن العاص درآی و او را به کشته شدن حسین مژده بده. عبدالملک گوید: من سوار بر شتر، به سوی مدینه رهسپار شدم، پس مردی از قریش مرا دید و گفت: چه خبر؟ گفتم خبر نزد امیر است و آن را خواهی شنید: گفت **﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾**. به خدا حسین علیه السلام کشته شد و چون بر عمرو بن سعید درآدم گفتم: چه خبر داری؟ گفتم: خبری است که امیر را شاد کند. حسین بن علی کشته شد. گفت: بیرون برو و خبر کشته شدن او را در شهر جار بزن. پس آدمم و جار کشیدم. پس شیون و فریادی هرگز نشنیده بودم مانند شیون زنان بنی‌هاشم که آن روز از خانه‌هاشان شنیدم. آن‌گاه که خبر کشته شدن حسین بن علی را شنیدند، پس نزد عمرو بن سعید درآدم؛ چون مرا دید خندید. آن‌گاه به شعر عمرو بن معدی کرب تمثال جست که می‌گوید:

عَجَّتْ نِسَاءُ بَنِي زَيْدٍ عَجَّةَ كَعَجِجٍ نِسْوَتَنَا غَدَاةَ الْأَرْزَبِ

سپس عمرو گفت: این شیون (امروز) در برابر شیون عثمان (که زنان بنی‌امیه بر او کردند). آن‌گاه به منبر رفت و مردم را از کشته شدن حسین بن علی علیه السلام آگاه کرد.

بر یزید بن معاویه دعا کرد و از منبر به زیر آمد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۶۵؛

مفید، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۲۳).

ابن طاووس تأکید دارد که پس از خطبه اشراق، شیون و فریاد بنی‌هاشم از شنیدن این خبر برخاست و آنان مجالس عزاداری بر پا کردند (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۱۶۹).
(ب) به گزارش ابن سعد، یزید بن معاویه سر مبارک امام حسین علیه السلام را برای اشراق به مدینه ارسال کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۸۴). بدیهی است این ماجرا پنهانی انجام نشده است.

۲. بازگشت هدفمند امام سجاد علیه السلام به مدینه

امام سجاد علیه السلام و خاندان بزرگوار او در وضعیتی به مدینه بازگشتند که مردم آن شهر از شهادت حسین بن علی علیه السلام آگاه بودند. امام با یک برنامه مشخص دستور فرمودند تا بیرون شهر خیمه برپا کنند و ضمن استقرار، حضور خود را با شیوه مشخص و استثنایی اعلام کردند. این حرکت حماسی امام سجاد علیه السلام را می‌توان در راستای این اهداف تحلیل کرد:
(الف) امام کوشیدند زمینه شورآفرینی عمومی را در برابر شهادت نواده پیامبر صلی الله علیه و آله فراهم سازند؛ زیرا پیش از حضور امام، گزارش‌های تاریخی از سوگواری بنی‌هاشم خبر می‌داد (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۱۳؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۱۶۹).

(ب) امام بر عزاداری، سوگواری و گریه بر سالار شهیدان و شهدای کربلا و بیان مصیبت‌ها و ذکر حماسه‌ها اصرار داشت.

(ج) امام قصد داشتند ضمن زنده نگه داشتن حماسه خونین امام حسین علیه السلام، بر تبیین صفت‌بندی حق و باطل در کربلا تأکید کنند و تمام نگاه حق‌طلبان را به سمت نفرت از ستم‌امویان سوق دهند.

(د) امام بسیاری از صحابه و تابعین را به سبب همراهی نکردن حسین بن علی علیه السلام به چالش کشاندند؛ زیرا شهر مدینه مهد صحابه و تابعینی بود که در برابر حماسه کربلا سکوت کرده بودند.

۳. اعزام یک شاعر

امام سجاد علیه السلام پیش از ورود به مدینه، از بشیر بن جذلم خواست که راهی شهر شود و با شعر خود، شهادت حسین بن علی علیه السلام و بازگشت خاندان عترت را به مردم خبر دهد. بشیر که امام را از شام به مدینه، همراهی می کرد، چنین گزارش می دهد:

چون به مدینه نزدیک شدیم، علی بن الحسین علیه السلام همراه بار و بنه و زنان و فرزندان فرود آمد و چادر به پا کرد و فرمود: ای بشیر! خدا پدرت را رحمت کند. او مردی شاعر بود. آیا تو هم چیزی از شعر می دانی؟ گفتم: بلی ای فرزند رسول خدا! من نیز شاعرم. فرمود: به مدینه برو و مردم را از شهادت اباعبدالله علیه السلام باخبر کن. بشیر گوید: من بر اسب سوار شدم و با شتاب رفتم تا وارد مدینه شدم. چون به مسجد

النَّبِيِّ رَسِيدِم، صَدَايِم رَا بَه كَرِيه بَلَنْد كَرْدَم وَ چنين سرودم:
يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ بِهَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ فَأَدْمِعِي مَدْرَارُ
الْجِسْمِ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءَ مُضَرَّجٍ وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاءِ يُدَارُ

ای مردم مدینه! دیگر این شهر جای ماندن نیست؛ زیرا حسین علیه السلام کشته شده است و باید فراوان اشک ببارید؛ پیکر او در کربلا آغشته به خون شد؛ و سرش را بر نیزه کردند و گرداندند.

سپس گفتم: این، علی بن الحسین است، با عمه ها و خواهرانش که در اطراف و حومه شهر شما فرود آمده اند و من، فرستاده او به سوی شما هستم تا جایش را به شما بشناسانم (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ ابن نما، ۱۴۰۶، ص ۱۱۲).

۴. شورآفرینی و عزای دوباره

هرچند مردم مدینه بیشتر از شهادت حسین بن علی علیه السلام آگاه و گروهی از آنها متأثر شده بودند؛ اما امام به قصد شورآفرینی و سوگواری مجدد همه مردم، بر مرثیه سرایی بشیر اصرار داشت.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

گویا بشیر بن جذلم، نخستین شاعری است که به دستور امام سجاد علیه السلام مرثیه سرود و مرثیه‌سرایی او شوری در مردم مدینه ایجاد کرد. آنگونه که خود چنین از واکنش مردم یاد می‌کند:

فَمَا بَقِيَتْ فِي الْمَدِينَةِ مُحَدَّرَةٌ وَلَا مُحَجَّبَةٌ إِلَّا بَرَزْنَ مِنْ خُدُورِهِنَّ مَكْشُوفَةً شُعُورُهُنَّ مُحَمَّشَةً
وَجُوهُهُنَّ ضَارِبَاتٍ خُدُودَهُنَّ يَدْعُونَ بِالْوَيْلِ وَالشُّبُورِ فَلَمْ أَرْ بَأَكْبَارًا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ
وَلَا يَوْمًا أَمَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ مِنْهُ (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ ابن نما،
۱۴۰۶ق، ص ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۴۷).

هیچ زن پرده‌نشین و محجبه‌ای در مدینه باقی نماند، جز آنکه از پس پرده‌ها، سر باز و صورت خراشیده و بر سر و صورت زنان، بیرون آمد. آنان، با صدای بلند می‌گریستند و زاری می‌کردند و هیچ‌گاه به اندازه آن روز، مرد و زن گریان، و روزی تلخ‌تر از آن، بر مسلمانان ندیده بودم.

بشیر بن جذلم با زنی سوگمند روبه‌رو شد که این شعر را در سوگ امام حسین علیه السلام

می‌سرود:

نَعَى سَيِّدِي نَاعٍ نَعَاهُ فَأُوجَعَا وَ أَمْرَضَنِي نَاعٍ نَعَاهُ فَأَفْجَعَا
فَعَيْنِي جُودًا بِالذُّمُوعِ وَ اسْكُبَا وَ جُودًا بِدَمْعٍ بَعْدَ دَمْعِكُمَا مَعَا
عَلَى مَنْ دَهَى عَرْشَ الْجَلِيلِ فَرَعَزَعَا فَأَصْبَحَ هَذَا الْمَجْدُ وَ الدِّينُ أَجْدَعَا
عَلَى ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ وَصِيِّهِ وَ إِنْ كَانَ عَنَّا شَاحِطَ الدَّارِ أَشْسَعَا

پیک مرگ، خبر مصیبت آقام را داد؛ چه دردناک بود.

ای دیدگان من! در ریختن اشک بخشنده باشید؛ و پس از اشک‌هایتان دوباره اشک

بریزید؛

بر آن کسی که مصیبتش عرش جلیل را تکان داد؛ و به مجد دین ضربه وارد آمد؛

و بر پسر پیغمبر خدا و پسر وصی او؛ هرچند که منزل او از ما بسیار دور است.

سپس این زن رو به بشیر کرد و گفت: «أَيُّهَا النَّاعِي جَدَّدَتْ حُرُنَّا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَدَّثَتْ مِنَّا قُرُوحًا لَمَّا تَنَدَّمِلُ فَمَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ! ای پیک مرگ! اندوه ما را در ماتم اباعبدالله تازه کردی و

زخم‌هایی را که هنوز بهبود نیافته بود خراشیدی. تو کی هستی خدایت رحمت کند».

بشیر خود را معرفی کرد و گفت: مولایم علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ که اینک همراه خانواده

اباعبدالله در بیرون شهر فرود آمده، مرا فرستاده است (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۱۹۷ و ۱۹۸).

هنر امام در انتخاب یک شاعر برجسته را می‌توان در اثربخش بودن کار تبلیغی بشیر دنبال

کرد. او چنان بر مردم مدینه تأثیر گذاشت که اوضاع شهر دگرگون شد. همگان دوباره در ماتم

حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ گریستند و مردم شهر از زن و مرد و کوچک و بزرگ به استقبال اهل بیت

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفتند و زمینه ورود شکوهمند بازماندگان حماسه کربلا به شهر مدینه فراهم شد

(امینی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۹۷).

۵. اشک امام و مردم

جمعیت انبوهی از مردم مدینه راهی محل استقرار امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ و همراهان ایشان در

بیرون شهر شدند؛ بشیر بن جذلم در توصیف استقبال بی سابقه مردم چنین می‌گوید:

مردم مرا به جای خودم رها کردند و با شتاب به بیرون شهر رفتند. من اسبم را هی

زدم و چون به آنان رسیدم، دیدم که جایگاه‌ها و راه‌ها پر از جمعیت است. از اسبم

فرود آمدم و به سختی از لابه‌لای مردم، حتی با پایمال کردن آنان، خودم را به خیمه

امام نزدیک کردم. علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ داخل خیمه بود و درحالی که با پارچه‌ای

اشک‌هایش را پاک می‌کرد، بیرون آمد. پشت سر امام عَلَيْهِمَا السَّلَامُ خادمی صندلی در

دستش بود و آن را برای ایشان گذاشت. امام بر روی آن نشست، ولی نمی‌توانست

جلوی اشکش را بگیرد. صدای گریه مردم به ویژه زنان بلند شد. مردم از هر سو، امام زین العابدین علیه السلام را تسلی می دادند: «فَضَّجَتْ تِلْكَ الْبُقْعَةَ ضَجَّةً شَدِيدَةً؛ و آن مکان، یکپارچه آه و فغان شد» (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۲۰۰).

۶. بیان مصیبت‌ها

فزونی جمعیت استقبال‌کننده و تأثر شدید آنان، زمینه مناسبی برای بیان مصیبت‌های وارده از سوی خلیفه اموی بر خاندان رسالت بود؛ امام سجاده علیه السلام با دست اشاره کرد و از مردم خواست سکوت کنند. همه ساکت شدند و حضرت پس از حمد و ثنای الهی، فرمود:

نَحْمَدُهُ عَلَى عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَ فَجَائِعِ الدُّهُورِ وَ أَلَمِ الْفَجَائِعِ وَ مَصَاصَةِ اللَّوَادِعِ وَ جَلِيلِ الرُّزْءِ وَ عَظِيمِ الْمَصَائِبِ الْفَاطِيَةِ الْكَاطِطَةِ الْفَادِحَةِ الْجَائِحَةِ؛

او را می ستاییم بر فجایع بزرگ روزگار و دردناک‌ترین مصائب؛ مصائبی که اشک‌ها را جاری می‌سازد، سینه‌ها را تنگ می‌گرداند و بر آنها سنگینی می‌کند و جان مردم را می‌ستاند.

سپس ادامه داد:

أَيُّهَا الْقَوْمُ إِنَّ اللَّهَ وَ لَهُ الْحَمْدُ ابْتِلَانًا بِمَصَائِبِ جَلِيلَةٍ وَ ثُلْمَةٍ فِي الْإِسْلَامِ عَظِيمَةٍ قُتِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ علیه السلام وَ عَثْرَتْهُ وَ سُبِيَ نِسَاؤُهُ وَ صَبِيئَتُهُ وَ دَارُوا بِرَأْسِهِ فِي الْبُلْدَانِ مِنْ فَوْقِ عَامِلِ السَّنَانِ وَ هَذِهِ الرَّزِيَّةُ الَّتِي لَيْسَ مِثْلَهَا رَزِيَّةٌ؛

ای مردم! خدای بزرگ ما را به مصیبت‌هایی بزرگ آزمود و در اسلام شکافی بزرگ افتاد؛ اباعبدالله علیه السلام و خاندانش کشته شدند و زن و فرزندش به اسارت رفتند و سرش را بر سر نیزه میان شهرها گرداندند. این ماتی است که هیچ ماتی به پای آن نمی‌رسد.

امام از حزن هستی بر مصیبت امام حسین علیه السلام یاد کرد و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! فَأَيُّ رَجَالَاتٍ مِنْكُمْ يُسْرُونَ بَعْدَ قَتْلِهِ أَمْ أَيُّ فُؤَادٍ لَا يَحْزُنُ مِنْ أَجْلِهِ أَمْ أَيُّهُ

عَيْنٍ مِنْكُمْ تَحْسِبُ دَمْعَهَا وَ تَضَنُّ عَنِ انْهَابِهَا فَلَقَدْ بَكَتِ السَّعُ الشَّدَادُ لِقَتْلِهِ وَ بَكَتِ الْبِحَارُ
بِأَمْوَاجِهَا وَ السَّمَاوَاتُ بِأَرْكَانِهَا وَ الْأَرْضُ بِأَرْجَائِهَا وَ الْأَشْجَارُ بِأَعْصَانِهَا وَ الْحَيَاتَانُ وَ الْجُجُ
الْبِحَارِ وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ أَجْمَعُونَ؛

ای مردم! کدام یک از شما پس از کشته شدن حسین علیه السلام می تواند شادمانی کند؟ یا کدامین چشمی می تواند از ریختن اشک خودداری ورزد؟ آسمان های هفتگانه، امواج دریاها، ستون های آسمان، جای جای این زمین پهناور، شاخه های درختان، ماهیان ته دریا، فرشتگان نزدیک خدا و همه اهل آسمان ها بر او گریستند.
امام سجاده علیه السلام در این فراز به عمق مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام اشاره کردند؛ مصیبتی که همگان باید بر آن بنالند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّ قَلْبٍ لَا يَنْصَدِعُ لِقَتْلِهِ، أَمْ أَيُّ فؤَادٍ لَا يَجْنُ إِلَيْهِ، أَمْ أَيُّ سَمْعٍ يَسْمَعُ هَذِهِ
الثَّلْمَةَ الَّتِي تُلِمَّتْ فِي الْإِسْلَامِ وَ لَا يَصُمُّ؛

مردم! کدام قلبی است که در قتل او نشکند یا کدام سینه ای است که در ماتم او نالد، یا کدام گوشی است که خبر این شکاف افتاده در اسلام را بشنود و کر نشود؟
امام آن گاه از سویی حاکمیت اموی بر اسرا رفته، یاد کرده و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ أَصْبَحْنَا مَطْرُودِينَ مُشْرَدِينَ مَدُودِينَ وَ شَاسِعِينَ عَنِ الْأَمْصَارِ . . . مِنْ غَيْرِ
جُرْمٍ اجْتَرَمْنَاهُ وَ لَا مَكْرُوهٍ اِزْتَكَبْنَاهُ وَ لَا ثَلْمَةَ فِي الْإِسْلَامِ نَلَمْنَاهَا مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا
الْأُولَى لَئِنْ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ . وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ النَّبِيَّ تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي قِتَالِنَا كَمَا تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي
الْوَصَايَةِ بِنَا لَمَا زَادُوا عَلَيَّ مَا فَعَلُوا بِنَا فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَكْظَمَهَا وَ
أَوْجَعَهَا وَ أَفْجَعَهَا وَ أَكْظَمَهَا وَ أَفْظَعَهَا وَ أَمَرَهَا وَ أَفْدَحَهَا فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ فِيهَا أَصَابِنَا وَ
مَا بَلَغَ بِنَا فَإِنَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ؛

ای مردم! ما را از شهرها راندند و در بیابانها آواره کردند؛ بی آنکه جرمی مرتکب شده باشیم یا کاری زشت از ما سر زده باشد و یا شکافی در اسلام افکنده باشیم.
پیشینیان ما از چنین اموری به دور بودند و این چیزی جز یک بهتان نیست. به خدا

سوگند، اگر پیامبر ﷺ به جای اینکه این مردم را به دوستی ما سفارش کند به جنگ با ما تشویق می‌کرد، رفتارشان زشت‌تر از این نبود: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾، از این مصیبت بزرگ و دردناک و سنگین و تلخ، ما مزد و پاداش مصیبت‌هایی را که دیده‌ایم از خداوند می‌خواهیم و او پیروزمند و انتقام‌گیرنده است.

امام سجاده علیه السلام پس از بیان این سخنان، برخاست و برای حرکت به مدینه آماده شد (ابن طاووس، ۱۳۴۸ ش، ص ۲۰۰).

امام حیات اسلام را در گرو بیان حماسه‌های حق‌طلبان و یادآوری مصیبت‌های وارده بر مجاهدان راه خدا می‌دانست؛ آنگونه که معصومین پیشین به ویژه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بر بیان این مجاهدت‌ها پای می‌فشرده‌اند. برای نمونه جابر بن عبدالله انصاری درباره دیدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خانواده شهید احد، سعد بن ربیع انصاری، چنین می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را با بیست نفر تا خانه سعد بن ربیع همراهی کردیم، همسر این شهید حصیری را افزاشته بود و بر آن نشستیم، پیامبر صلی الله علیه و آله از سعد یاد کرد و برای او طلب رحمت نمود و فرمود: او را در میدان جنگ دیدم که نیزه‌ها بر او فرود آمده بود تا آن‌گاه که کشته شد. زنانی وقتی این فرمایش را شنیدند گریستند. دیدگان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز اشکبار شد و ایشان زنان را از گریستن نهی فرمود (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۲۶۹).

۷. پیامدها و آثار

کر بلا کانون صف‌بندی حق و باطل بود. امام حسین علیه السلام در مقابل نماد جبهه باطل قیام کرد و یزید با تمام قوا بر کشتن امام کوشید. سیوطی می‌گوید: «یزید از کشته شدن امام و خاندانش نیز خوش‌حال شد، اما بر اثر خشم مسلمین از آن کار اظهار ندامت می‌کرد. با این حال، مردم از او خشمگین بودند و حق داشتند که او را دشمن بدانند» (سیوطی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵۸). امام سجاده علیه السلام پس از بازگشت از شام و در نخستین خطابه خود در بدو ورود به مدینه کوشید تا جبهه‌بندی حق و باطل شفاف شود و نمایش پشیمانی یزید از قتل حسین بن علی علیه السلام خستی

گردد. در این راستا، حرکت مؤثر امام سبب تثبیت، گسترش و استمرار سوگواری و گریه بر سالار شهیدان علیه السلام و شهدای کربلا شد تا روح حرکت و نهضت حسینی زنده بماند. سنت امام سجاد علیه السلام بر جاودانه ماندن مصیبت‌ها و توسعه ذکر حماسه‌های کربلا نیز استوار بود. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام مدت چهل سال درحالی که روزها روزه و شب‌ها به عبادت مشغول بود، در عزای امام حسین گریه کرد. هنگامی که وقت افطار فرا می‌رسید، غلام آن بزرگوار خوراکی و آشامیدنی آن حضرت را حاضر می‌کرد و در مقابل آن بزرگوار می‌نهاد و می‌گفت: ای مولای من! افطار کنید. حضرت سجاد علیه السلام می‌فرمود: «قتل ابن رسول الله جائعاً، قتل ابن رسول الله عطشاناً؛ پسر پیامبر خدا گرسنه کشته شد! پسر پیغمبر خدا با لب تشنه شهید شد!» آن بزرگوار همچنان این سخنان را می‌گفت و گریه می‌کرد تا اینکه غذای آن حضرت به وسیله اشک چشمش تر می‌شد و آب آشامیدنی آن بزرگوار با اشک چشمش ممزوج می‌گردید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۴۹).

غلام امام علی بن الحسین علیه السلام به صفت سرپوشیده‌ای نزدیک شد که امام سجاد علیه السلام در آنجا پیوسته در حال سجود و گریه بودند. سپس به حضرت فرمود: آقای من! آیا زمان پایان یافتن اندوه شما فرانسیده؟ حضرت سر مبارک از زمین برداشته و متوجه او شده و فرمودند: وای بر تو! به خدا قسم حضرت یعقوب در حادثه‌ای ناچیزتر از آنچه من دیدم به پروردگار گفت: «یا أَسْفَى عَلٰی يُوسُفَ؛ وای اسفا بر فراق یوسفم». با اینکه ایشان تنها یک فرزندش را از دست داده بود، ولی من دیدم که پدرم و جماعتی از اهل بیت من را در نزدیکیمان سر بریدند (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۰۷).

ابو جعفر برقی این روایت را از فرزند امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند:

لما قتل الحسين بن علی علیه السلام لبس نساء بنی هاشم السواد والمسوح و کن لا یشتکین
من حر ولا برد وکان علی بن الحسین علیه السلام یعمل لهن الطعام للمأتم؛

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام کشته شد، زنان لباس سیاه و پشمی پوشیدند و از سرما و گرما شکایت نمی کردند و علی بن الحسین علیه السلام برای عزاداریشان غذا فراهم می کرد (برقی، ۱۳۷۰ش، ج ۲، ص ۴۲۰).

مجلسی با تکیه بر نوشته‌های برخی اصحاب، چنین می گوید:

زینب علیها السلام دو ستون در مسجد را گرفت و فریاد زد: «يَا جَدَاهُ إِنِّي نَاعِيَةٌ إِلَيْكَ أَحْيَى الْحُسَيْنِ؛ من خبر مرگ برادرم حسین علیه السلام را برایت آورده‌ام». همچنین حضرت زینب علیها السلام هر گاه به علی بن الحسین علیه السلام می نگریست، اندوهش تازه می شد و احساساتش فزونی می یافت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۹۸).

عزاداری مستمر ام‌البنین در بقیع نیز به منظور حفظ و گسترش سوگواری برای شهدا بود؛ ابوالفرج اصفهانی می نویسد:

وكانت أم البنين أم هؤلاء الأربعة الإخوة القتلى، تخرج إلى البقيع فتندب بنيتها أشجى ندبة وأحرقها، فيجتمع الناس إليها يسمعون منها، فكان مروان يحيى فيمن يحيىء لذلك، فلا يزال يسمع ندبتها ويبكي؛

ام‌البنین، مادر چهار برادر کشته شده در کربلا، به بقیع می رفت و با سوز و گداز برای پسرانش گریه می کرد. مردم جمع می شدند و به گریه‌هایش گوش می دادند. مروان از کسانی بود که به این منظور می آمد. او پیوسته به نوحه‌سرایی او گوش می داد و گریه می کرد (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ص ۹۰).

گزارش‌های تاریخی نشان می دهد که این عزاداری‌ها در مدینه و دیگر شهرهای جهان اسلام همچنان رو به گسترش نهاد و در عصر غیبت نیز بر کیفیت و کمیت آن افزوده شد.

نتیجه‌گیری

ورود شکوهمند امام، جلوه‌ای از دل‌بستگی درونی مؤمنان به حسین بن علی علیه السلام را نمایان ساخت. حرارتی که با شهادت سیدالشهدا ایجاد شده بود؛ آن گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مژده داده بود: «إِنَّ لِقَاتِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ شهادت حسین علیه السلام، حرارت و گرمایی

در دل‌های مؤمنان ایجاد می‌کند که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود» (معزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۵۵۶). در این حرکت مؤثر، بر جبهه‌بندی دائمی حق و باطل تأکید و نمایش پوشالی پشیمانی یزید از کشتن حسین بن علی علیه السلام خنثی شد. امام سجاد علیه السلام جاودانه ماندن نهضت حسینی و درس‌گیری از این حماسه را در گرو عزاداری، گریه، سوگواری و ذکر مصیبت‌های شهدای کربلا می‌دانست و سیره قولی و فعلی ایشان به وقت ورود به مدینه نیز بر تثبیت آن افزود.

فهرست منابع

١. ابن اثير، على بن محمد (١٤١٧ق). الكامل فى التاريخ، بيروت، دار الكتاب العربى.
٢. ابن سعد، محمد بن سعد (١٤١٠ق). الطبقات الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٣. ابن حيون، نعمان بن محمد (١٤٠٩ق). شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم، مؤسسة النشر الإسلامى.
٤. ابن طاووس، على بن موسى (١٣٤٨ش). اللهوف على قتلى الطفوف، تهران، جهان.
٥. ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ق). كامل الزيارات، نجف، مرتضى.
٦. ابن كثير، إسماعيل بن عمر (١٤٠٨ق). البداية و النهاية، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٧. ابن نما، جعفر بن محمد (١٤٠٦ق). مشير الاحزان، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام.
٨. ابوالفرج اصفهاني، على بن الحسين (١٤١٥ق). الاغانى، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٩. _____، (بى تا). مقاتل الطالبين، تحقيق سيداحمد صقر، بيروت، دار المعرفة.
١٠. امينى، محمدامين (١٤٢٣ق). مع الركب الحسينى من المدينة الى المدينة، قم، تحسين.
١١. برقى، أحمد بن محمد (١٣٧٠ش). المحاسن، تهران، دار الكتب الاسلامية.
١٢. سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر (١٤٢٥ق). تاريخ الخلفاء، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز.
١٣. طبرى، محمد بن جرير (١٣٨٧ق). تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد أبوالفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث.
١٤. فاسى، محمد بن احمد (١٤٠٦ق). العقد الثمين فى تاريخ البلد الأمين، بيروت، مؤسسة الرسالة.
١٥. مجلسى، محمدباقر (١٤٠٣ق). بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربى.
١٦. معزى ملايرى، اسماعيل (١٤١٥ق). جامع أحاديث الشيعة فى أحكام الشريعة، قم، مهر.
١٧. مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ق). الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره شيخ مفيد.
١٨. مقرئزى، أحمد بن على (١٤٢٠ق). إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، بيروت، دار الكتب العلمية.